

## تبیین ژئوپلیتیکی بحران‌های مذهبی در جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی: عراق ۲۰۱۶-۲۰۰۳)

فاطمه پورحسین

دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد اخباری<sup>۱</sup>

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۰۶ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۰

### چکیده

عوامل شکل دهنده به کم و کیف معادلات سیاسی و امنیتی عراق امروزه به ترتیب اولویت در سطوح سه‌گانه‌ی داخلی، منطقه‌ای و منطقه‌ای قابل بررسی است. با توجه به این که اولین و مهم‌ترین سطح شکل دهنده به حیات سیاسی و اجتماعی هر کشوری سطح داخلی است و اگر بپذیریم که مؤلفه‌های داخلی سبب آغاز بحران و تداوم آن است، باید گفت مؤلفه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دارای نقش تشدید کننده و تسریع کننده‌ی بحران و تداوم آن هستند. بر این مبنای، هدف این پژوهش تبیین ژئوپلیتیکی بحران‌های مذهبی در جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی عراق) بود که برای این منظور و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با استفاده از تحقیقات میدانی و استانی و مصاحبه و پرسشنامه با اساتید و کارشناسان ارشد ژئوپلیتیکی و متخصص در حوزه پژوهش استفاده گردید و برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده پژوهش از آمار توصیفی و برای نشان دادن اطلاعات به صورت جداول فراوانی و درصد و نمودارها و آزمون T تک نمونه‌ای برای رد یا تأیید فرضیه‌های پژوهشی استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت‌یابی گروه‌های سیاسی و مذهبی در عراق مؤثر است. همچنین خلأ قدرت ایالات متحده آمریکا در عراق منجر به بحران‌های ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در آن کشور شده است. علاوه بر این بحران‌های مذهبی در عراق منجر به متزلزل شدن قدرت سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای شده است. همچنین بحران‌های مذهبی از بعد ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری ناامنی گسترده در سطح ملی و فراملی شده و نیز بحران‌های ژئوپلیتیکی از بعد مذهبی هویت ملی در عراق را دچار تزلزل نموده است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک مذهبی، بحران‌های مذهبی، جنوب غرب آسیا، عراق.

## مقدمه

تحول در مفهوم دین، یکی از تحولات نوین عرصه مطالعات روابط بین‌الملل و حتی مطالعات امنیتی است که به سبب ایجاد تغییر در عقاید افراد جامعه یا یک مجموعه خاص انسانی می‌تواند موجب انحراف‌های مخرب ایدئولوژیکی و به دنبال آن موجب تغییر در روند کلی تصمیم‌گیری و فعالیت یک مجموعه بزرگ انسانی و یا یک پهنه گسترده جغرافیایی گردد که طبعاً تبعات نامطلوبی دیگری نیز در پی خواهد داشت. در منطقه غرب آسیا به دلیل اینکه خاستگاه ادیان بزرگ الهی (اسلام مسیحیت و یهودیت) بوده همیشه دین و مذهب عنصری مؤثر و تأثیرگذار در همه تصمیم‌های اتخاذ شده توسط قدرت‌های جهانی و حاکمان سرزمین‌های واقع در این مناطق بوده است که این مؤلفه در دهه‌های اخیر به واسطه پدیدار شدن زیر شاخه جدیدی تحت عنوان بنیادگرایی دینی، نقش پررنگ‌تری در تحولات منطقه بازی نموده و حتی در سال‌های اخیر پدیده مذکور (بنیادگرایی دینی و مذهبی) زیرشاخه‌های متعددی یافته که بعضاً تضادهای عمیقی نیز با یکدیگر پیدا کرده و این تعارض گروه‌های بنیادگرا با دولت‌های حاکم در منطقه (و حتی تضاد آن‌ها با یکدیگر) موجب برهم زدن معادلات سیاسی و نظم حاکم در منطقه گردیده است. (جهانی راد و حاجی‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۴).

به طور مثال، تروریسم و گروه‌های بنیادگرای ضد نظم کنونی در خاورمیانه همچون داعش، القاعده و طالبان که خود محصول بدعت‌های جدید در دین و مذهب و انباشت منازعات و بحران‌ها در حوزه ژئوپلیتیکی غرب آسیا (که از گروه‌های قومی و مذهبی متنوعی همچون اعراب سنی، کردها و شیعیان که به لحاظ فرهنگی، قومی، مذهبی و تاریخی با یکدیگر قرابت و وجوه مشترکی دیرینه‌ای دارند، تشکیل شده) بوده‌اند، چنان تکثیر پیدا کرده‌اند که اولاً در جغرافیای متنوعی در حال نبرد برای ایجاد خلافت خود خوانده به اصطلاح اسلامی خود هستند به طوری که اقدام به مرز زدایی در کشورهای چون عراق و سوریه کرده‌اند و دوماً، این گروه‌ها چنان گسترش پیدا کرده‌اند که در حال انتقال منازعه به خارج از مرزهای منطقه یادشده هستند. به طوری که این گسترش فرا منطقه‌ای منازعه را در حوادث تروریستی اخیر در فرانسه و دیگر نقاط اروپا شاهد بوده‌ایم که این رویدادها بیانگر نقش غیر قابل انکار مؤلفه دین و مذهب در شکل‌گیری حوادث و هدایت فعالیت‌های بعدی است (جهانی راد و حاجی‌زاده ۱۳۹۵: ۶۶). امروزه معضل چالش تحرکات افراطی گرایانه مذهبی با توجه به گسترده جغرافیایی و مذهبی آن در منطقه جنوب غرب آسیا است که دارای کانون ظرفیت‌های بالای تنش برای سناریوسازی جهت بهره‌برداری گروه‌های افراطی مذهبی است. تحولات لبنان، فلسطین، افغانستان، عراق، سوریه، بحرین، ایران و تحولات موسوم به بیداری اسلامی که همگی در منطقه غرب آسیا حادث گردیده از رویدادهای مهم یک دهه اخیر به شمار می‌روند و در واقع آسیای جنوب غربی با وجود برخورداری از شاخصه‌ای مثبتی، همچون منابع طبیعی و انسانی از جمله معدود نقاطی است که به رغم برخورداری از این پتانسیل بالا، از تجربه توسعه مطلوب و منطقه‌گرایی شایسته دور مانده است (اکبری، ۱۳۹۲: ۴۴) اگر چه ساختارهایی سازمانی مانند اکو در آن شکل گرفته، اما چنین سازمان‌هایی نیز نتوانسته است انتظارات طراحان را در توسعه منطقه‌ای عملی کند و به همین علت منطقه آسیای جنوب غربی با وجود برخورداری از منابع انرژی نفت و گاز، معادن و بهره‌مندی از منابع انرژی قابل توجه نه تنها نتوانسته است شاهد تجربیاتی مانند نفتا در آمریکای شمالی،

مرکوسور در آمریکای جنوبی، آسه آن در آسیای جنوب شرقی و... باشد، بلکه همواره با ناامنی و چالش‌های فراوانی مواجه بوده که اوج آن را در سال‌های اخیر نظاره‌گر بوده‌ایم (جهانی راد و حاجی‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۹).

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین متغیرها در عدم شکل‌گیری چنین ساختارهای نهادی به فرهنگ سیاسی کشورهای منطقه باز می‌گردد. فرهنگ سیاسی مردم این منطقه ارتباط تنگاتنگی با ارزش‌های مذهبی و فرقه‌ای دارد. مردم این منطقه دارای ارزش‌های پیشینی و پسینی به طور توأمان هستند<sup>۱</sup>. توجه به اوضاع داخلی کشورهای نامتجانس مذهبی در آسیای جنوب غربی نشان دهنده نقش وفاداری‌های مذهبی و فرقه‌ای در پروسه‌های سیاسی و امنیتی است. عمده بحران‌های امنیتی در آسیای جنوب غربی در کشورهای ریخ داده است که از تنوع مذهبی بیشتری برخوردارند. جنگ جهانی دوم به مثابه یک نقطه عطف در این زمینه مطرح است زیرا پروسه استعمار زدایی پس از آن بوجود آمد. پروسه‌ای که در آن گرایش به مذهب به عنوان حلقه‌ای ارزشی که می‌توان برای رهایی از یوغ استعمار به آن گروید، در گستره‌ای از اندونزی تا الجزایر و مغرب، پس از این جنگ ظاهر شده است. نمونه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد رقابت‌ها در منطقه غرب آسیا تحت تأثیر مذهب قرار دارد که این روند در حال قوت گرفتن روزافزون است<sup>۲</sup>.

رویکرد و پرسش اصلی در این تحقیق این است که: ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در عراق چه تأثیری در قدرت‌یابی گروه‌های مختلف مذهبی و سیاسی دارند؟ از نظر هدف این تحقیق کاربردی است. از نظر روش از روش‌های توصیفی و استنباطی استفاده شده است. با توجه به اینکه که بیشتر به بعد توصیف و گزارش موضوع پرداخته شده است و از طرفی با استناد به ویژگی‌های روش توصیفی، استنباطی از آنجا که محقق در پی آزمایش فرضیه‌ها و تحلیل روابط بین متغیرهای دست‌کاری نشده است با بهره‌گیری از آمار و از روش توصیفی، استنباطی «آزمون T تک نمونه‌ای» و روش دلفی توصیف و ویژگی‌های آماری می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش عبارت است از استادان و فارغ‌التحصیلان ارشد و دکترای رشته جغرافیای سیاسی و متخصصین در حوزه پژوهش که تعداد ۳۰ نفر از آنان به عنوان حجم نمونه به صورت نمونه‌گیری انتخاب و به سؤالات مصاحبه پاسخ داده‌اند. از آنجایی که در این تحقیق داده‌های مورد نیاز روش مطالعه میدانی، اسنادی و کتابخانه‌ای به دست آمده، بر اساس مطالعات انجام شده و مبانی نظری موجود، متغیرهای مؤثر در رابطه با اختلافات مذهبی و بحران امنیتی و ژئوپلیتیکی در جنوب غرب آسیا-عراق، شناسایی و چهارچوب نظری لازم برای انجام تحقیق تدوین گردید. بر اساس این چهارچوب مصاحبه و پرسشنامه با اساتید و کارشناسان ارشد ژئوپلیتیک و متخصص در این حوزه تدوین گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در این پژوهش از تکنیک‌های آمار توصیفی<sup>۳</sup> و آمار استنباطی<sup>۴</sup> استفاده شده است. آمار توصیفی محقق را در طبقه‌بندی، خلاصه کردن، توصیف و تفسیر اطلاعات جمع‌آوری شده و برقراری ارتباط از طریق آن‌ها کمک نموده و آمار استنباطی به پژوهشگر امکان می‌دهند که با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده از نمونه کوچک آزمودنی‌ها، ویژگی‌های جامعه‌ای که نمونه از آن انتخاب شده است، برآورده یا استنباط کنند

۱ - منظور از ارزش‌های پیشینی تعهد و وفاداری به مذهب، فرقه، قوم و... است و منظور از ارزش‌های پسینی ارزشهایی است که شامل ملت‌گرایی و جدایی دین از سیاست است.

2- www.farsnews.com

3 -Descriptive Statistics

4 -Inferential Statistics

(شیولسون، ۱۳۹۲). با توجه به توضیحات ارائه شده، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در این پژوهش از آمار توصیفی برای نشان دادن اطلاعات به صورت جداول فراوانی و درصد و نمودارها و آزمون T تک نمونه‌ای برای رد یا تأیید فرضیه‌های پژوهشی استفاده شد.

### رویکرد نظری

ژئوپلیتیک مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پولیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی، معادل‌هایی همانند «سیاست جغرافیایی»، «علم سیاست جغرافیایی» و «جغرافیا سیاست‌شناسی» برای آن ذکر شده است. در انگلیسی، به آن «جیوپولیتیکس»<sup>۱</sup>، در آلمانی به خاستگاه اصلی آن، «گئوپولیتیک»<sup>۲</sup> و در فرانسوی «ژئوپلیتیک»<sup>۳</sup> اطلاق شده است. در اصطلاح، «ژئوپلیتیک» رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیش‌گویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی بر حسب محیط طبیعی است؛ بنابراین، رویکرد ژئوپلیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی و تاریخی است (پلینو و آلتون، ۱۳۷۵: ۴۵). به طور خلاصه معنای لغوی ژئوپلیتیک سیاست زمینی است. در فرهنگ لغت لاروس فرانسه در تعریف از ژئوپلیتیک آمده است که: دانشی است که روابط بین جغرافیای دولت‌ها و سیاست‌های آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. اصولاً ژئوپلیتیک درصدد تبیین این موضوع است که چگونه فاکتورهای جغرافیایی از جمله سرزمین، جمعیت، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی بر روابط کشورها و تلاش آن‌ها برای کسب قدرت و استیلا بر دیگران مؤثر است (قاسمی، ۱۳۹۴: ۸۲). این واژه برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کلین استاد علوم سیاسی دانشگاه اوپا لا که تحت تأثیر کتاب جغرافیای سیاسی فردریک راتزل و کتاب تأثیر نیروی دریایی در تاریخ آلفرد ماهان قرار داشت ارائه شد. منظور وی این واژه مطالعه ساختار جغرافیایی حکومت بود. در طول نیمه اول قرن بیستم واژه ژئوپلیتیک به عنوان یکی از موضوعات مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی عمدتاً به نقش عوامل جغرافیایی در تعیین سیاست خارجی یک کشور اشاره داشت و نظریه‌هایی هم که در این دوره توسط علمای ژئوپلیتیک ارائه شد مثل هارتلند می‌کنند، فضای حیاتی هاوزس هوفر و ریملند اسپایکمن ناظر بر همین معنا بود. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و شکست آلمان نازی، مطالعات ژئوپلیتیکی به دلیل ذهنیت نامطلوبی که در ارتباط با حزب نازی و ژئوپلیتیک خاص آلمان به وجود آمده بود متوقف شد و جغرافیدانان آمریکایی به ویژه تمرکز مطالعاتی خود را در سطح حکومت و چگونگی حفظ تمامیت ارضی آن قرار دادند.

تنها کتاب سائول کوهن که تحت عنوان جغرافیا و سیاست بین الملل و خصوصیات جغرافیایی کشورها وجود دارد تعریف نموده که به تعاریف سنتی از این اصطلاح نزدیک بود. در سال‌های دهه ۱۹۷۰ اگرچه واژه ژئوپلیتیک به دلیل کاربرد فراوان آن در سخنرانی توسط کسینجر احیاء شد ولی وضعیت محتوای جغرافیایی آن مشخص نبود. در همین سال‌ها ایولاکست جغرافی‌دان فرانسوی در انتشارات خود تعریف دقیق‌تری از اصلاح ژئوپلیتیک ارائه داده درگیری و رقابت میان گروه‌ها بر سر سرزمین نه فقط به دلیل اقتصادی بلکه به دلیل تاریخی، ملی و روانی، بنابراین ایولاکست

1 - Geopolitics  
2- Geopolitike  
3 - geopolitique

مطالعات ژئوپلیتیک را نه فقط منحصر به مقیاس جهانی بلکه در مقیاس منطقه‌ای و درون کشوری هم ممکن می‌دانست (میر حیدر، ۱۳۹۴: ۴۵). ژئوپلیتیک به عنوان «دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ» دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات در مکان و فضاها جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاها جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آن را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاها جغرافیایی مورد منازعه بیرون برانند (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۵۶). رویکرد ژئوپولیتیک با درجات مختلف بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در امور تاریخی و سیاسی است. گروهی معتقدند که ژئوپولیتیک رابطه جغرافیای طبیعی و انسانی بر سیاست داخلی و خارجی را مورد توجه قرار می‌دهد. عده‌ای دیگر ژئوپولیتیک را رابطه‌ای بین عوامل طبیعی و سیاست یک کشور می‌دانند. برخی دیگر ژئوپولیتیک را رابطه بین اوضاع جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها می‌دانند و معتقدند ژئوپولیتیک مطالعه آثار و نتایجی است که عوامل جغرافیایی طبیعی و سیاست یک کشور می‌دانند (الهی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

ژئوپلیتیک بر آن بخش از دانش جغرافیا تأکید می‌کند که با قدرت و سیاست پیوند می‌خورد. در واقع جوهر ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل می‌دهد. چه در فرایندهای تولید فضایی و جابجایی قدرت و چه در ارتباط با ساختار جهانی قدرت، دانش ژئوپلیتیک است که به این مسائل می‌پردازد. از این رو می‌توانیم ژئوپلیتیک را دانشی بدانیم که به مطالعه ابعاد فضائی - جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی، می‌پردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۲). ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی توجه خود را عمدتاً به عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌ها مؤثرند معطوف می‌دارد. در مطالعات ژئوپلیتیکی جغرافیدانان اغلب با برقراری رابطه بین عوامل جغرافیایی طبیعی به‌خصوص (موقعیت، وسعت، جمعیت، منابع و غیره) و سیاست یک کشور سعی می‌کنند به تفسیر و قابل و رویدادهای تاریخی پرداخته، وقایع آینده را پیش‌بینی و خط‌مشی سیاسی کشور را تعیین نمایند به این ترتیب برای عوامل جغرافیایی اهمیت فراوان قابل بوده، آن عوامل را حاکم بر مقدرات و سرنوشت سیاسی ملت‌ها می‌دانند (سنجابی، ۱۳۹۰: ۹۷). برای مثال، یک واقعیت جغرافیایی مانند ذخایر معدنی و با یک گروه اقلیت قومی زبانی که محرک یک تصمیم‌گیری سیاسی در سطح بین‌الملل گردد یک عامل ژئوپلیتیک محسوب می‌گردد.

ژئوپلیتیک بخشی از علوم جغرافیایی است که به تحلیل مسائل منطقه‌ای و جهانی و ارتباط متقابل آن با ساختار اقتصادی و سیاسی محلی می‌پردازد. در ژئوپلیتیک یا سیاست‌های جغرافیایی که معنای لغوی آن سیاست زمین است نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود. جغرافیدانان سیاسی معتقدند قدرت به شدت متأثر از عوامل محیط جغرافیایی است چنین طرز تفکری یک پدیده نو نیست، بلکه ریشه در تاریخ دارد. از نظر عالمان این رشته تحول در چهره خارجی زمین موجب ایجاد روابط انسانی متنوعی شده است. لذا برای ارائه تحلیل واقع بینانه ای درباره ژئوپلیتیک باید برای داده‌های طبیعی اهمیتی محدود قائل شویم. تحولات و دگرگونی‌هایی که در تاریخ سیاسی واحدهای کوچک جغرافیایی به وجود آمده سبب شده که امروز دیگر ژئوپلیتیک تنها به معنای رقابت استراتژی‌ها در ابعاد جهانی نباشد. در حقیقت ژئوپلیتیک مجموعه پیچیده نیروهای متخاصم و متعددی است که در سرزمین‌هایی با ابعاد کوچک به کشمکش می‌پردازند هدف آنان از این کشمکش‌ها یا اثبات تفوق سیاسی خود یا

بیرون راندن رقبای سیاسی از صحنه است. بنابراین در هرگونه تحلیل که بر مبنای قواعد ژئوپلیتیکی استوار باشد ناگزیر باید دو دسته از اطلاعات را جمع‌آوری و مورد بررسی قرار داد.

۱. ادراک تقابل استراتژی‌ها یا فهم فضایی قدرت‌های دیگر.
۲. ویژگی‌های مکان‌ها و سرزمین‌های که صحنه اصلی رقابت قدرت به شمار می‌روند.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش منبع: یافته‌های پژوهش

### محیط‌شناسی جریان‌های عمده مذهبی عراق

کشور عراق بر پایه قانون اساسی این کشور دارای مساحت ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع است که در رتبه ۵۷ از نظر وسعت در جهان قرار دارد؛ ۴۳۲۱۶۲ کیلومتر مربع آن خشکی و ۴۹۱۰ کیلومتر مربع آن نیز آبی شامل: دریاچه، باطلاق‌ها و سایر پهنه‌های آبی است (عرشیان، ۱۳۹۰). بین ۲۹ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۳۹ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷).



نقشه ۱: نقشه کشور عراق منبع: (tasnimnews.com)

از شمال به جمهوری ترکیه، از شمال غربی به کشور سوریه، از مغرب به اردن هاشمی، از جنوب غربی و جنوب به پادشاهی عربستان سعودی، از سوی جنوب شرقی به خلیج فارس و کشور کویت و جانب شرق نیز به کشور جمهوری اسلامی ایران محدود می‌شود.

### قومیت و پراکندگی قومی

عراق همانند بسیاری از کشورهای نوین دارای قومیت‌هایی با فرهنگ نامتجانس است. عراق در سال ۱۹۲۱ م به عنوان یک دولت ملی پدیدار شد و همانند بسیاری از کشورها در جست‌وجوی ملت خاص خویش بود؛ یعنی عراق، در واقع فراورده‌ی یک ملت نبود که برای تأسیس یک دولت (کشور) بکوشد، اما همچنان قومیت و نحوه‌ی پراکندگی آن در عراق همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای در ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی عراق را دارا است و نیز قابل ذکر است که ساختار قومیتی آن نیز امری پذیرفته شده و رسمی است.

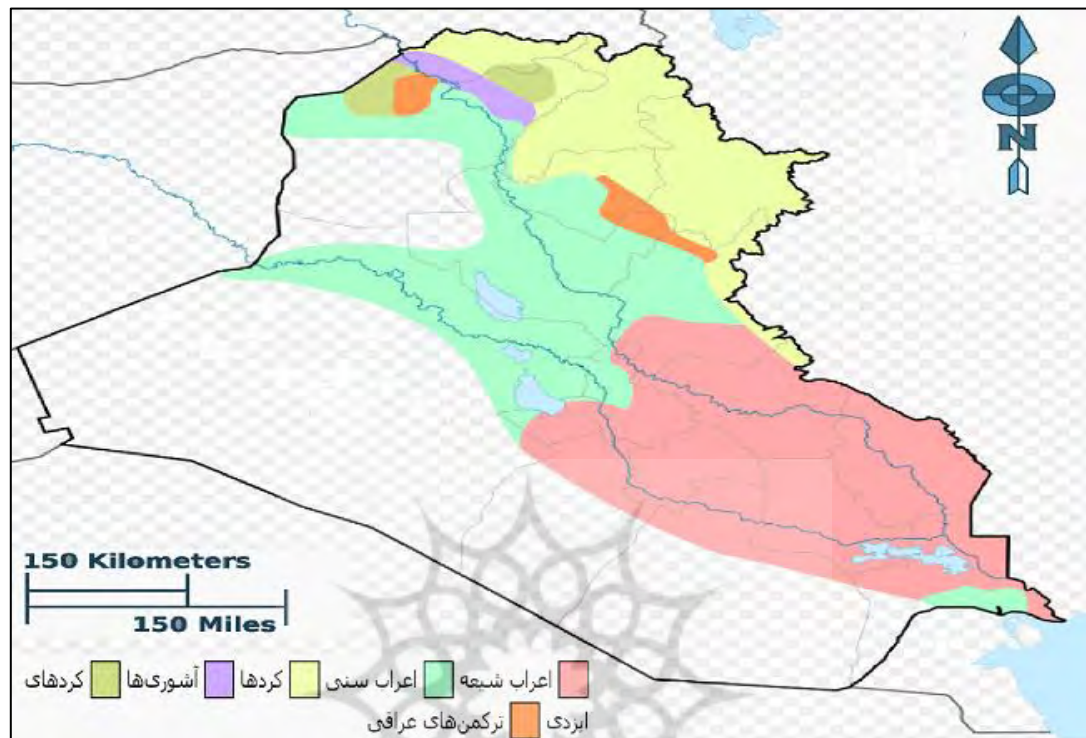
در ماده‌ی ۳ پیش‌نویس قانون اساسی عراق چنین آمده است: «ملت عراق از دو ملت اصلی عرب و کرد و قومیت‌های اصلی ترکمان، کلدانی، آشوری، سریانی، ارمنی، شبک (فارس)، یزیدیه و صائبین تشکیل شده‌است که همگی آن‌ها در دسترسی به حقوق و واجبات ملی‌شان مساوی هستند. کشور عراق از دو قومیت غالب عرب و کرد تشکیل شده‌است». همچنین در ماده ۴۳ قانون اساسی دائمی عراق که ذیل بخش حقوق و آزادی‌ها طرح شده، بافت قبیله‌ای و عشیره‌ای آن را مورد تأیید و شناسایی قرار داده است: «حکومت بر رشد و ترقی قبایل و عشایر عراق تأکید دارد و به امور آن‌ها به طوری که با دین، قانون و تقویت ارزش‌های والای انسانی و کمک به پیشرفت جامعه هماهنگ باشد، توجه می‌کند و از عرف‌های عشایر که با حقوق انسان منافات دارد، جلوگیری به عمل می‌آورد».

در واقع وجود گروه‌های متفاوت اجتماعی در عراق در قالب قبایل، اقوام و قومیت‌های متفاوت موجب پدیداری نوعی فرهنگ سیاسی-اجتماعی پیشامدرن در عراق شده‌است (خسروی، ۱۳۹۰: ۳۶). با وجود نوپا بودن و جدید التأسیس بودن کشور عراق (جعفری ولدانی، ۱۳۸۶: ۸۹). هویت متمایز قومیتی از ویژگی‌های اساسی جامعه عراق است که به رغم نوسازی چند دهه اخیر پابرجا بوده و تا حد زیادی زنده مانده است و منشاء تحولات بسیاری در این کشور بوده است. مطابق برخی برآوردها در عراق حدود ۷۰ و چند قبیله عمده وجود دارد که شمار طوایف تابع آن‌ها به حدود ۲۰۰۰ طایفه می‌رسد.

جامعه نوین عراق با جماعت‌هایی مشخص می‌شوند که نام عراق را با خود به یدک می‌کشند؛ جماعت‌هایی که ذات خود را بر مبنای مختلف نمایان می‌سازند؛ بر مبنای دین و مذهب، بر مبنای قومیت و نیز جماعت‌هایی که به شکل ایدئولوژیک مشخص می‌شوند؛ و نیز جماعت‌هایی هستند که خود را با آمیخته‌ای از همه اینها مشخص می‌سازند و به عبارت دیگر در آن‌ها ویژگی ناب دینی یا ویژگی ناب قومیتی یا ویژگی ناب ایدئولوژیک وجود ندارد بلکه آمیخته‌ای از همه اینهاست.

ملت عراق شامل قومیت‌های مختلفی از جمله: اعراب، اکراد، ترکمن‌ها، آشوریان و سایر اقلیت‌های قومی است. در تقسیم‌بندی عراق به لحاظ قومی و نژادی بر روی تقسیم‌بندی زیر توافق بیشتری وجود دارد: ۷۵-۸۰ درصد عرب (بزرگ‌ترین گروه قومی) ۱۵-۲۰ درصد کرد (دومین گروه بزرگ قومی) و بقیه که حدود ۵ درصد را شامل می‌شوند شامل ترکمن‌ها، مسیحیان آشوری، یهودی‌ها، یزیدی‌ها و فارس‌ها هستند. در مجموع به خاطر حساسیت مسایل

قومی و مذهبی در عراق، نبود آمار رسمی در مورد ترکیب جمعیت در این کشور و بحران‌های موجود حاکمیت این کشور از آغاز استقلال تا کنون برآوردهای موجود چندان قابل اعتماد نیست، البته می‌توان امیدوار بود با توجه به شواهد و گزارش‌ها و انتخابات برگزار شده پس از سقوط صدام، تخمین‌های درست‌تری نسبت به گذشته زد.



شکل ۱: جمعیت عراق به لحاظ نژادی، مذهبی و پراکندگی سرزمینی آن‌ها

منبع: (<https://www.worldometers.info>)

## ۱. دین و تنوع مذهبی

صحنه اجتماعی زندگی در عراق با رنگ و لعاب دین و مذهب آراسته شده است. بیش از ۹۷ درصد از این جمعیت را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در این بخش به‌طور اجمالی گزارشی از دین و تنوع مذهبی در عراق را ارائه می‌دهیم.

### ۱. مسلمانان

بر اساس بهترین تخمین، حدود ۹۷ درصد از جمعیت ۲۸-۳۳ میلیون نفری عراق مسلمان هستند. مسلمانان شیعه - عمدتاً عرب، به‌علاوه ترکمن‌ها، کردهای فیلی و گروه‌های دیگر - ۶۰ تا ۶۵ درصد جمعیت را به عنوان گروه اکثریت تشکیل می‌دهند.

مسلمانان سنی نیز ۳۲ تا ۳۷ درصد از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند (حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد کردهای سنی، ۱۲ تا ۱۵ درصد اعراب سنی و بقیه ترکمن‌های سنی هستند).

### ۲. مسیحیان

امروزه جمعیت مسیحیان عراق ۸۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر است و حدود ۳ درصد از کل جمعیت عراق را (آشوریان، کلدانیان، کاتولیک‌های رومی و ارامنه) تشکیل می‌دهند و در بغداد (الدوره، الفضل، بغداد جدید، بتاوین، کراده، خیابان فلسطین، مشتل، جمیله و کمب سارا) و موصل و بصره زندگی می‌کنند. همچنین در اربیل، سلیمانیه، دهوک و



کرکوک حضور دارند (سعدی، ۱۳۹۰). از نظر بسیاری از پژوهشگران، آشوریان و کلدانیان از گروه‌های مذهبی-قومی متمایز و همچنین نشأت گرفته از قدیمی‌ترین جوامع مسیحی در عراق می‌باشند. مسیحیان (با گروه‌های چندگانه‌شان) که در شمال و در بغداد متمرکز شده‌اند با یک زبان مشخص و متمایز (سریانی) نیز تکلم می‌نمایند.

### ۳. یهودیان

یهودیان کهن‌ترین و از حیث تعداد بزرگ‌ترین اقلیت غیر مسلمان عراق را تشکیل می‌دادند که منشاء خود را به زمان اسارتشان در بابل و در قرن ششم پیش از میلاد می‌رسانند (فب مار، ۱۳۸۰). در سرشماری ۱۹۴۷ تعداد یهودیان عراق ۱۱۸۰۰۰ نفر بود اما رقم آن احتمالاً به رقم ۱۵۰۰۰۰ نفر بالغ می‌شده است که در این صورت ۲٪ جمعیت کل عراق آن روز را تشکیل می‌دادند. در دهه ۱۹۸۰ م، رقم مزبور رفته رفته به چند هزار نفر کاهش پیدا کرد. بخش اعظم یهودیان که شهرنشین بودند در بغداد زندگی می‌کردند و اغلب بازرگانان سابقه‌دار و متنفذی بودند. با اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیست‌ها موقعیت یهودیان عراق دگرگون شد. با تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م وضعیت یهودیان عراق غیر قابل تحمل گردید و در سال ۱۹۵۱ م، تمام یهودیان جز تعدادی از آنان که از شخصیت اجتماعی بالا بی‌بهره بودند، هجرت گزیدند (فب مار، ۱۳۸۰: ۹۵).

### ۴. مندائیان

یکی از اقلیت‌های دینی در عراق که عمدتاً در جنوب عراق و ساحل دجله و فرات و رود کارون در غرب ایران ساکنند مندائیان، پیروان حضرت یحیی تعمید دهنده می‌باشند. جمعیت آن‌ها را ۷۰ هزار نفر در عراق و ۲۵ هزار نفر در ایران برآورد می‌کنند (همان). قریب ۷۵۰۰۰ نفر تا سال ۲۰۰۲ در عراق در شهرهای العماره، ناصریه، بصره، قلعه صالح، حلفایه، بازار شیوخ، القرنه و بغداد زندگی می‌کردند (لطیف الزبیدی، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱۷۲) که پس از جنگ میان آمریکا و عراق بیشتر آن‌ها به اردن و سوریه و نیز کشورهای غربی کوچ کردند؛ اما تعداد اندکی از آن‌ها امروزه در بغداد، کرکوک و جاهای دیگر ساکن هستند. آن‌ها هم اینک در خیلی از سازمان‌های فعال سیاسی حاضر هستند.

### ۵. یزیدیان

ایزدی‌ها یا ایزدیان به پیروان یزیدیه یا دین باستانی رایج در منطقه کردستان می‌گویند. بسیاری از یزیدیان خود را از نژاد کرد می‌دانند (احمد تیمور، ۱۳۴۷ ه.ق: ۱۳۲)، هر چند برخی از آن‌ها خود را هم از نظر نژادی و هم از نظر مذهبی و قومی متمایز از کردهای مسلمان تعریف می‌کنند. یزیدیون در موصل، سنجار، شیخان، باعذر، بعشیکه، دهوک، تلعفر، زاخو و تلکیف ساکن هستند. آن‌ها به زبان کردی صحبت می‌کنند.

### ۳-۲-۲- عوامل مهم ژئوپلیتیک عراق و سیر تحولات آن

کشور عراق از لحاظ ژئوپلیتیک اهمیت فراوانی دارد. موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپلیتیک این کشور از اهمیت زیادی برخوردار هستند. همچنین هنگام بررسی ژئوپلیتیک عراق عوامل متغیر و به ویژه منابع انسانی و ترکیب قومیتی این کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. افتراقات جمعیتی در عراق ریشه در نیات و اهداف استعمارگران انگلیس در تشکیل کشور عراق دارد که موجب بروز بحران‌ها و ناآرامی‌های زیادی در طول تاریخ معاصر این کشور گردیده است.

## عناصر تاثیرگذار ژئوپلیتیک عراق

### ۱- منابع نفت و گاز

ذخایر عظیم نفت و گاز در عراق اهمیت زیادی را برای این کشور فراهم آورده است. ذخایر نفت عراق بیش از ۱۱۲ میلیارد بشکه تخمین زده شده که از این نظر عراق را در مقام بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت جهان قرار داده است. عراق یکی از کشورهای مهم صادرکننده نفت و از اعضای مهم اوپک به شمار می‌رود. هزینه استخراج نفت در عراق به دلیل وجود تعداد زیادی میدان کم عمق و عظیم بسیار پائین است. همچنین امکان بهره‌برداری از چاه‌های نفت عراق با سرعت بالا وجود دارد. در عراق از هر چاه به طور متوسط ۱۳۴۸۰ بشکه نفت در روز استخراج می‌گردد (عزتی، ۱۳۸۱). در عراق ۷۴ میدان نفتی شناسایی شده که عمدتاً مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است؛ از ۵۲۶ نقطه شناسایی شده در صحرای غربی عراق تاکنون فقط ۱۲۵ نقطه توسعه‌یافته و حفاری شده است (رضایی، ۱۳۹۲: ۵۸).

صادرات نفت در سال ۱۹۸۹ (قبل از تهاجم به کویت)، ۳/۵ میلیون بشکه در روز بوده است که درآمدی معادل ۱۴/۵ میلیارد دلار در سال را عاید این کشور کرده است. همچنین عراق دارای ۱۱۰ میلیارد فوت مکعب ذخایر گازی است. همچنین که ارقام نشان می‌دهند میزان ذخایر نفت و گاز عراق سهم مهمی در ذخایر جهانی دارند و این کشور پتانسیل لازم برای ایفای نقش‌های مهم‌تر در تأمین انرژی جهان را دارد. به همین دلیل مسئله نفت یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار ژئوپلیتیکی عراق بوده است.

### ۲- کردها

کردها یکی از اقوام ایرانی کهن هستند که در دامنه‌های کوه‌های آارات و زاگرس و در کشورهای کنونی ایران، عراق، ترکیه و سوریه پراکنده شده‌اند که این پراکندگی متأثر از جنگ جهانی اول و تجزیه امپراتوری عثمانی بوده است. قبل از شکل‌گیری دولت-ملت‌های یاد شده، کردها تابع هویت قومی خویش بوده‌اند. در دوران حاکمیت اسلامی قوم کرد مانند سایر اقوام و اقلیت‌های نژادی در قالب امپراتوری عثمانی به حیات خود ادامه داده و در قدرت مشارکت داشته است. با فروپاشی عثمانی و شکل‌گیری کشورهای عراق، ترکیه و سوریه، گروه‌های مختلف قومی در جهت تشکیل دولت‌های ملی اقدام کردند اما تلاش کردها در این مسیر مقرون موفقیت نبوده است. به دلیل پراکندگی کردها در کشورهای مختلف، مسئله جدایی طلبی و استقلال این گروه طی سده اخیر یکی از حساس‌ترین مسایل منطقه به ویژه در کشورهای ترکیه و عراق بوده است.

بخش اعظمی از ذخایر نفتی عراق در شمال این کشور و در مناطق کردنشین قرار گرفته و همین موضوع بر اهمیت مسئله کردها افزوده است. کردها در عراق سه دوره منازعه با دولت مرکزی را تجربه نموده‌اند. جنگ‌های پراکنده طی سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۵، درگیری‌های سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۵ و نهایتاً تنش‌های سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ از دوره‌های اصلی جنگ و درگیری کردها و اعراب در عراق به شمار می‌روند. از سال ۱۹۵۸، با کودتای ژنرال

«عبدالکریم قاسم» در عراق، نظام سلطنتی سرنگون و رژیم جمهوری در این کشور مستقر گردید. عبدالکریم قاسم تلاش‌های زیادی برای تحت‌تابعیت درآوردن کردها که در زمان نظام سلطنتی خود مختار بودند، به عمل آورد. به همین دلیل درگیری‌ها پس از روی کار آمدن وی جدی‌تر بوده است. ملا مصطفی بارزانی از رهبران کرد عراقی در سال ۱۹۴۷ میلادی به منظور پیگیری سیاست‌های جدایی طلبانه، حزب دموکرات کردستان عراق را تأسیس کرد و موفق شد پس از یک جنگ و درگیری طولانی مدت در اوایل دهه ۷۰ میلادی از دولت مرکزی عراق خود مختاری اخذ نماید؛ اما بعداً این خود مختاری نقض گردید. در منطقه کردستان عراق احزاب دیگری شکل گرفته‌اند که احزاب اتحادیه میهنی کردستان و حزب ا... انقلابی کرد از آن جمله هستند. «سر آرنولد ویلسن» دیپلمات ارشد انگلستان پس از جنگ جهانی اول طی گزارشی از منطقه کردستان عراق چنین اظهار نموده که کردها نه می‌خواهند زیر حکم و نفوذ دولت ترکیه باشند و نه تحت فرمان دولت عراق؛ فکر تشکیل کردستانی مستقل در میان کردها طرفداران بسیار دارد (عزتی، ۱۳۸۱: ۷۳). کردهای عراق بیش از ۲۸ درصد جمعیت و بیش از ۱۷ درصد کل مساحت این کشور را در اختیار دارند و به لحاظ برخورداری از موقعیت جغرافیایی ویژه و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، جایگاه حائز اهمیتی را در این کشور به خود اختصاص داده‌اند.

### ۳- شیعیان

حدود ۱۰ درصد مسلمانان جهان را شیعیان تشکیل می‌دهند که شمار آنان به حدود ۱۲۰ میلیون نفر می‌رسد. (فرهمند، ۱۳۹۰) اکثریت جمعیت شیعیان در پنج کشور ایران، عراق، آذربایجان، بحرین و لبنان ساکن هستند. حدود ۶۵ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که اگرچه در دوران معاصر و در نظام حکومتی عراق، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نداشته‌اند، اما علاوه بر نفوذ بر جامعه عراق تأثیرات فراوانی نیز در حیات فکری و رشد و پیشرفت علمی، اقتصادی و اجتماعی این کشور داشته‌اند. نفوذ روحانیون شیعی در عراق تا حدی بوده که علاوه بر حکام این کشور، سلاطین در ایران را از اثرات خود متأثر ساخته‌اند زیرا شیعیان عراق همواره با همکیشان خود در ایران در ارتباط بوده و بسیاری از روحانیون شیعه ایران در عراق اقامت داشته‌اند. حضور حضرت امام خمینی (ره) در دوران تبعید در عراق یکی از نشانه‌های ارتباط تنگاتنگ شیعیان در دو کشور ایران و عراق است. در طول تاریخ معاصر، اکثریت شیعه در عراق همواره تحت ظلم و سیطره حکام قرار داشته‌اند؛ بویژه طی جنگ ۸ ساله عراق با جمهوری اسلامی ایران دستگیری، شکنجه و اعدام شیعیان مخصوصاً رهبران شیعی در سطح گسترده‌ای از سوی رژیم بعثی صدام حسین رخ داد و هزاران نفر شهید، تبعید و یا اخراج گردیدند.

با این حال حکام عراق طی سال‌های پس از استقلال از گسترش و حاکمیت تفکر شیعیان در این کشور نگران بوده و تلاش نموده‌اند رهبران شیعه را به هر نحو ممکن کنترل و یا از میان بردارند. یکی از رهبران مؤثر شیعی در عراق سید محمد باقر صدر بود که طی همکاری اطلاعاتی رژیم صدام حسین با سایر دول عربی ربوده و از صحنه اجتماعی و سیاسی عراق حذف گردید. در واقع حاکمان عراق بر قدرت نافذ شیعیان واقف بوده و اقدامات مؤثری جهت کنترل و تضعیف آن به عمل آورده‌اند.

رژیم صدام حسین از بدو شکل‌گیری، فشارهای مضاعفی را بر شیعیان در عراق وارد آورد. به رغم وجود اکثریت شیعه در ترکیب ارتش و بسیاری از نهادهای دولتی، شیعیان همواره از دستیابی به مناصب بالا و کلیدی محروم

می‌شدند. سیاست رژیم بعث عراق در خصوص محدودسازی شیعیان در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی مورد حمایت کشورهای عربی و قدرت‌های بین‌المللی قرار داشت. دولت‌های عرب منطقه به دلیل تمایزات مذهبی هیچ‌گاه خواهان قدرت یافتن شیعیان عراق نبوده‌اند.

از سوی دیگر با توجه به روابط گسترده رژیم صدام حسین با دول شرقی و غربی، گرچه عراق در زمره وابستگان به ابرقدرت شرق محسوب می‌گردید اما به ویژه در طول جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، رژیم بعث از حمایت‌های فراوان سیاسی و اقتصادی دولت‌های غربی نیز برخوردار بود. نگرانی‌های غرب به ویژه آمریکا از قدرت یافتن شیعیان عراق تا حدی بوده که در عملیات طوفان صحرا هنگامی که ضربات مهلکی بر پیکر ارتش عراق وارد گردید و شیعیان جنوب این کشور شورش‌هایی تحت عنوان انتفاضه شعبانیه را شکل دادند، ناگهان حملات نظامیان آمریکایی با هدف بازگذاشتن دست ارتش عراق برای سرکوب شیعیان متوقف گردید؛ همچنان که بعدها آمریکایی نیز اذعان نمودند، در آن مقطع فروپاشی رژیم صدام حسین موجب بدست‌گیری قدرت توسط شیعیان می‌گردید.

امروزه هیچ قدرتی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن شیعیان در عراق نقش آفرینی نماید و بدون ملاحظات ساختار توزیع قدرت سیاسی در عراق که شیعیان در آن از برجستگی فراوانی برخوردارند، تأثیر گذار باشد. بدون تردید ظهور عراق جدید که در آن شیعیان سهم عمده‌ای در قدرت دارند، پیامدهای گسترده‌ای برای ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه به همراه خواهد داشت. تحولات عراق در سطح کشورهای منطقه بطور یکسان مورد ارزیابی قرار نگرفته و برداشت‌های گوناگون و بعضاً متضادی از ظهور عراق جدید ارایه شده است. در میان کشورهای همسایه عراق، ایران و ترکیه در مقابل این تحولات مواضع مثبتی اتخاذ نموده‌اند اما از نظر کشورهای عرب همسایه تغییرات در عراق به منزله تهدیدی برای هویت عربی این کشور و حاوی پیامدهای سوء و بی‌ثبات کننده برای منطقه تلقی گردیده است.

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

از مجموع ۳۰ نفر حجم نمونه پژوهش همه پاسحگویان مرد بوده‌اند که بیشتر به این دلیل است که اکثر کسانی که در حوزه مورد مطالعه متخصص بوده‌اند و یا برای پاسخگویی به سوالات پژوهش تمایل نشان داده‌اند مردان بوده‌اند.

جدول ۲ توزیع فراوانی سن

سن	فراوانی فراوانی درصدی فراوانی تجمعی
۲۰-۳۰	۱۳,۳
۳۱-۴۰	۲۰
۴۱-۵۰	۱۶,۷
۵۱-۶۰	۵۰
مجموع ۳۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

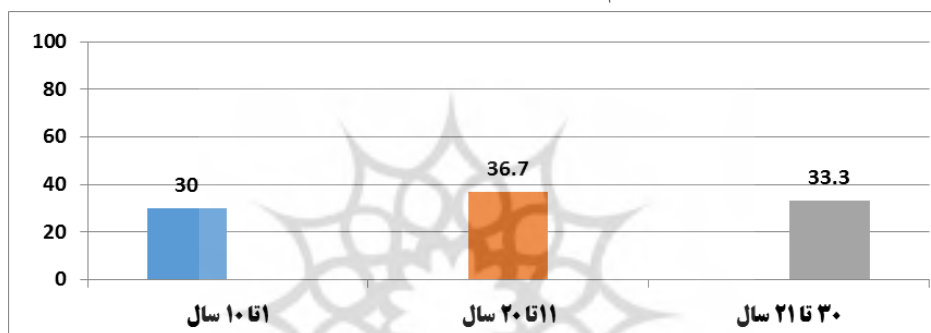
جامعه آمار پژوهش از نظر متغیر سن در چهار گروه سنی قابل دسته‌بندی هستند: گروه سنی ۲۰-۳۰ سال، گروه سنی ۳۱-۴۰ سال و نیز گروه سنی ۴۱-۵۰ سال و نهایتاً گروه سنی ۵۱-۶۰ سال.

جدول ۳- توزیع فراوانی میزان تحصیلات

تحصیلات	فراوانی فراوانی درصدی فراوانی تجمعی
کارشناسی	۵
کارشناسی ارشد	۱۳
دکتر	۱۲
مجموع	۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

از نظر مدرک تحصیلی جامعه آماری پژوهش به سه دسته کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتر تقسیم می‌شوند که به ترتیب تعداد پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی ۵ نفر، کارشناسی ارشد ۱۳ نفر و دکتر ۱۲ نفر بوده‌اند. همان طوری که پیداست بیشتر از اساتیدی که دارای تخصص علمی در حوزه جغرافیای سیاسی و منطقه مورد مطالعه هستند استفاده شده است. نه نفر از جامعه آماری میانگین ۱-۹ سال در حوزه مورد مطالعه تمرکز داشته و گروه دوم که یازده نفر هستند ۱۱-۲۰ سال و گروه سوم که نفر می‌باشند ۲۱-۳۰ سال.



نمودار ۱- درصد سابقه کار در حوزه ژئوپلیتیک جغرافیایی

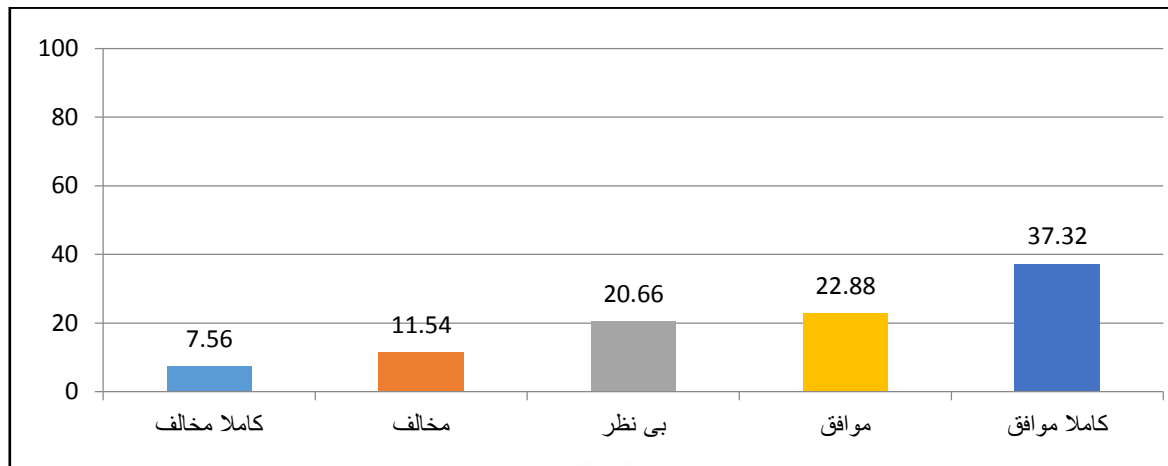
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های جامعه آماری پژوهش به سوالات پژوهش

فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۱	۰	۳	۱۰	۶	۲۰
سوال ۲	۰	۰	۷	۲۳	۱۳
سوال ۳	۴	۳۳	۶	۲۰	۳۳
سوال ۴	۱	۶	۱۰	۳۳	۷
سوال ۵	۳	۱۰	۷	۲۶	۹
سوال ۶	۴	۱۰	۶	۲۰	۱۵
سوال ۷	۴	۱۰	۵	۱۶	۲۶
سوال ۸	۳	۱۰	۱۰	۳۳	۱۱
سوال ۹	۵	۶	۳	۱۶	۸
سوال ۱۰	۴	۶	۵	۱۶	۱۶
سوال ۱۱	۶	۱۰	۵	۱۶	۲۰
سوال ۱۲	۳	۱۰	۷	۲۳	۱۱
سوال ۱۳	۴	۱۰	۵	۱۶	۱۳
سوال ۱۴	۴	۱۳	۶	۲۰	۱۲
سوال ۱۵	۴	۶	۵	۱۶	۱۶
میانگین	۷/۵۶	۱۱/۵۴	۲۰/۶۶	۲۲/۸۸	۳۷/۳۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۴-۵ نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان با فرضیه اصلی پژوهش که عبارت بود از این که ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت یابی گروه‌های سیاسی، مذهبی در عراق موثر است کاملاً موافق و یا موافق بوده‌اند و ۳۷/۳۲ درصد از پاسخگویان نظری کاملاً موافق با فرضیه اصلی پژوهش را ابراز کرده‌اند.



نمودار ۲- میانگین نهایی درصد پاسخ افراد

منبع: یافته‌های پژوهش

#### - آمار استنباطی

فرضیه ۱: ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت یابی گروه‌های سیاسی، مذهبی در عراق موثر است.

فرضیه صفر: ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت یابی گروه‌های سیاسی، مذهبی در عراق موثر نیست.  $H_0: \mu \leq 3$

ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت یابی گروه‌های سیاسی، مذهبی در عراق موثر است  $H_1: \mu > 3$

جدول ۵- آمار توصیفی نگرش در مورد ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت یابی گروه‌های سیاسی، مذهبی، در عراق

فراوانی میانگین انحراف استاندارد خطای استاندارد میانگین	۳۰	۴۰۳	۷۹۷۹۹	۱۴۵۶۹

منبع: (یافته‌های پژوهش)

بر مبنای نظرات افراد نمونه آماری، میانگین به دست آمده (۴,۰۳) نشان می‌دهد که در سطح ۰,۰۱ از میانگین فرضی نمرات (۳) بیشتر است.

جدول ۶-آزمون t تک متغیری نگرش در مورد ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت یابی گروه‌های سیاسی و مذهبی در عراق

Test Value = 3		
t	درجه آزادی	سطح اطمینان تفاوت میانگین ها
۲۹۷,۰۹۳	۰,۰۱	۱,۰۳۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمونه تصادفی ۷/۰۹۳ واحد t از میانگین جامعه فرضی فاصله دارد. با درجات آزادی ۲۹ و با سطح اطمینان ۰,۰۱، t جدول مساوی ۲,۴۵ است. فقط ۱ درصد احتمال دارد که اختلاف بین میانگین نمونه و جامعه ناشی از شانس باشد؛ بنابراین چون t محاسبه شده (۷/۰۹۳) (بزرگتر از t جدول (۲,۴۵) است. به عبارتی یعنی ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت یابی گروه‌های سیاسی و مذهبی در عراق موثر است و اولین فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

عراق از لحاظ تنوع جمعیتی و گسست‌های فعال و متراکم قومی - فرقه‌ای، اجتماعی - سیاسی و مذهبی - ایدئولوژیک، شرایطی کم نظیر در خاورمیانه و در بین کشورهای خاورمیانه دارد که علت اصلی آن را نیز باید در موضوعات تاریخی، بخصوص در تصنعی بودن و اصالت نداشتن مفهوم دولت و حاکمیت در این کشور جستجو کرد. کثرت و تنوع احزاب و گرایش‌های متعدد در عراق به جای ایجاد انسجام و ثبات در ساختارهای سیاسی رسمی و غیررسمی عراق، موجب ایجاد تنش و چالش در این کشور شده است. گوناگونی مذهبی به ویژه رقابت شیعه و سنی، بافت قدرت و تحولات اجتماعی عراق را برجسته کرده است.

منازعات قومی - مذهبی در عراق دو شکل عمده دارد؛ یکی، منازعه قومی و کردی - عربی و در قالب اختلافات بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان جلوه‌گر بوده است؛ همچنین منازعه مذهبی شیعی - سنی که در برگزیده اختلافات عمده گروه‌های شیعی و سنی، از جمله در مورد نحوه تقسیم قدرت در نظام سیاسی جدید و ساختار و عناصر نیروهای نظامی و امنیتی و میزان حضور عناصر بعثی رژیم سابق در ساختارهای سیاسی و نظامی و امنیتی بوده است. علاوه بر این، اقدامات تروریستی گروه‌های افراط‌گری سنی، مانند القاعده، در مقابل شیعیان عراق نیز در قالب منازعه مذهبی شیعی - سنی در خور بررسی است. با تسلط نخبگان سنی، الگوی قوم‌گرایی عربی آن‌ها برای دولت - ملت‌سازی در عراق برای چندین دهه به پارادایم غالب تبدیل شد؛ اما خود این نخبگان عرب سنی اذعان کردند که در طول دهه ۱۹۲۰ نیز هیچ نشانی از احساسات یکپارچه ملی در عراق وجود نداشت و ایده یک ملت عرب حتی میان عرب زبان‌های این کشور به سختی به چشم نمی‌خورد. در دوره جدید به دلیل ضعف نسبی دولت مرکزی در عراق و ناتوانی آن در اعمال کامل حاکمیت و فعال شدن نیروهای گریز از مرکز و گروه‌های مخالف دولت، تأثیرگذاری و نقش بازیگران منطقه‌ای ذی‌نفع در روند سیاسی - امنیتی عراق بسیار افزایش یافته و این امر به واسطه منافع و اهداف متعارض این بازیگران در عراق، پیشبرد روند سیاسی و مصالحه گروه‌های سیاسی و همچنین امنیت‌سازی در این کشور را با چالش مواجه ساخته است. چالش‌های سیاسی - اجتماعی و مذهبی جدید در عراق را باید متأثر از سیستم سیاسی کنونی و پراکندگی و دسته‌بندی اجتماعی، فرقه‌ای، قومی و مذهبی در این کشور دانست. وجود احزاب و ائتلاف‌های سیاسی صورت گرفته از نخستین انتخابات پارلمانی پس از فروپاشی صدام تاکنون، مجموعه‌ای از پیوندها و گسست‌های ناپایدار در صحنه عراق را به نمایش می‌گذارد. بخشی از موانع دولت - ملت‌سازی در عراق جدید به حاکمیت دولت اقتدارگرا در این کشور طی دهه‌های گذشته و شکل‌گیری سازمان‌ها و بوروکراسی‌های نظامی و امنیتی سرکوبگر مربوط می‌شود. از سویی نیز انحلال ارتش و سازمان‌های نظامی و امنیتی صدام و شورش ناراضیان سلفی سنی، باعث شکل‌گیری چرخه دامنه‌دار ناامنی در عراق شد. در حوزه سیاسی، روند دولت‌سازی به ایجاد نهادهای سیاسی مشروع و مورد پذیرش تمام گروه‌های اجتماعی، سیاسی و اجماع در خصوص نقش هر کدام از گروه‌ها در ساختار سیاسی منجر نشده است. چالش‌های ناشی از رقابت گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در داخل عراق و آثار زیانبار ناشی از بی‌ثباتی و جنگ داخلی، افراط‌گرایی، تفرقه‌های قومی و مذهبی و نهایتاً فعالیت‌ها و زمزمه‌های گروه‌ها و طوایف مختلف جهت استقلال‌طلبی و تجزیه این کشور، از جمله چالش‌های جدید می‌باشند.

فرضیه ۲: خلاء قدرت ایالات متحده آمریکا در عراق منجر به بحران‌های ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در آن کشور شده است.

خلاء قدرت ایالات متحده آمریکا در عراق منجر به بحران‌های ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در آن کشور شده نیست  $H_0: \mu \leq 3$

خلاء قدرت ایالات متحده آمریکا در عراق منجر به بحران‌های ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در آن کشور شده است  $H_1: \mu > 3$

جدول ۷- آمار توصیفی نگرش در مورد خلاء قدرت ایالات متحده آمریکا در عراق منجر به بحران‌های ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در آن کشور

فراوانی میانگین انحراف استاندارد خطای استاندارد میانگین		
۳۰	۳,۶۳	۸۸۵۰۶
۱۶۱۵۹		

منبع: یافته‌های پژوهش

بر مبنای نظرات افراد نمونه آماری، میانگین به دست آمده (۳/۶۳) (نشان می‌دهد که در سطح ۰,۰۱ از میانگین فرضی نمرات (۳) بیشتر است.

جدول ۸- آزمون  $t$  تک متغیری نگرش در مورد خلاء قدرت ایالات متحده آمریکا در عراق منجر به بحران‌های ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در آن کشور

Test Value = 3		
$t$	درجه آزادی	سطح اطمینان تفاوت میانگین‌ها
۲۹۳,۹۱۹	۰,۰۱	۶۳۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش

ملاحظه جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمونه تصادفی ۳/۹۱۹ واحد  $t$  از میانگین جامعه فرضی فاصله دارد. با درجات آزادی ۲۹ و با سطح اطمینان ۰,۰۱،  $t$  جدول مساوی ۲,۴۵ است. فقط ۱ درصد احتمال دارد که اختلاف بین میانگین نمونه و جامعه ناشی از شانس باشد؛ بنابراین چون  $t$  محاسبه شده (۳/۹۱۹) (بزرگتر از  $t$  جدول (۲,۴۵) است. به عبارتی یعنی خلاء قدرت ایالات متحده آمریکا در عراق منجر به بحران‌های ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در آن کشور شده است، بنابراین دومین فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

عراق از اهمیت زیادی برای آمریکا برخوردار است. تضمین امنیت جریان صدور نفت، تأثیر گذاری بر روند صلح اعراب و اسرائیل، مهار جمهوری اسلامی ایران و نقش آفرینی در شمال عراق و منطقه کردستان برای کنترل تحولات و تأثیرگذاری بر کشورهایی که دارای مناطق کرد نشین هستند، فرصت‌هایی بوده‌اند که پس از جنگ دوم خلیج فارس با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی عراق برای آمریکا فراهم شده است. به طور کلی در دوران جنگ سرد عراق در قلمرو ژئواستراتژیک قدرت بری یعنی اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت، اما فروپاشی اتحاد شوروی و جنگ دوم خلیج فارس موجب حضور آمریکا در مناطق امن در شمال و جنوب عراق بر اساس قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد گردید؛ که نهایتاً جدایی ژئوپلیتیکی عراق را به همراه داشت.

سیاست‌های کاملاً اشتباه صدام حسین در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی و نقض مکرر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل موجبات انزوای این رژیم را فراهم آورد. پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا و اعلام استراتژی مبارزه با تروریسم از یک سو و ادعای واشنگتن مبنی بر تلاش رژیم عراق جهت دستیابی به تسلیحات اتمی و همکاری این رژیم با شبکه القاعده، با جوسازی و تبلیغات گسترده رسانه‌ای و اقدامات دیپلماتیک وسیع در سطح سازمان ملل متحد و منطقه خاورمیانه، بستری فراهم شد که علی‌رغم مخالفت شورای امنیت سازمان



ملل متحد و مخالفت‌های مردمی در سطح جهان، آمریکا با همراهی تعدادی دیگر از کشورهای غربی در مارس سال ۲۰۰۳ به عراق حمله و پس از مدت کوتاهی رژیم حاکم بر این کشور را ساقط نماید. بدون تردید یکی از دلایل و ملاحظات آمریکا در تهاجم نظامی به عراق اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور بوده است.

پس از گذشت چندین سال از اشغال عراق، آمریکا متحمل هزینه‌های فراوانی گردیده و سیاست‌های این کشور بر پیچیدگی‌های مسایل منطقه افزوده است. بدست‌گیری قدرت توسط یک دولت شیعی و خروج شیعیان و اکراد از انزوای سیاسی پس از حدود ۸۰ سال، تحولات ژئوپلیتیکی جدیدی را در عراق رقم زده که علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن عراق و منطقه خاورمیانه، روابط راهبردی قدرت‌های بزرگ را نیز متأثر ساخته و موجب واکنش برخی کشورهای منطقه مانند عربستان و اردن گردیده است تا جایی که پادشاه اردن با ابراز نگرانی از تحولات عراق در دسامبر سال ۲۰۰۵ از موضوعی تحت عنوان «هلال شیعی» صحبت به میان آورد. بدون تردید تحولات اخیر در عراق روابط کشورهای منطقه را هم متأثر ساخته است. در ادامه عوامل مهم ژئوپلیتیک در عراق و سیر تحولات آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پس از تهاجم نظامی آمریکا در مارس سال ۲۰۰۳ به عراق و اشغال آن، این کشور شاهد تغییر و تحولات گسترده و عمیقی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی گردیده است. پس از اشغال عراق عوامل ژئوپلیتیکی در این کشور به گونه جدیدی مبادرت به ایفای نقش نموده‌اند، به نحوی که توانسته‌اند منطقه خاورمیانه و همسایگان عراق را از نقش جدید خود متأثر سازند.

فرضیه ۳: بحران‌های مذهبی در عراق منجر به متزلزل شدن قدرت سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای شده است.

بحران‌های مذهبی در عراق منجر به متزلزل شدن قدرت سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای شده نیست.

$$H_0: \mu \leq 3$$

بحران‌های مذهبی در عراق منجر به متزلزل شدن قدرت سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای شده است.

$$H_1: \mu > 3$$

جدول شماره ۹-۱ آمار توصیفی نگرش در مورد بحران‌های مذهبی در عراق منجر به متزلزل شدن قدرت سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای

فراوانی میانگین انحراف استاندارد خطای استاندارد میانگین			
۱۷۳۵۶.	۹۵۰۶۳.	۳,۶۸	۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بر مبنای نظرات افراد نمونه آماری، میانگین به دست آمده (۳/۶۸) نشان می‌دهد که در سطح ۰/۰۱ از میانگین فرضی نمرات (۳) بیشتر است.

جدول شماره ۱۰: آزمون t متغیری نگرش در مورد بحران‌های مذهبی در عراق منجر به متزلزل شدن قدرت سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای

Test Value = 3		
t	درجه آزادی	سطح اطمینان تفاوت میانگین‌ها
۲۹۳,۹۶۹	۰,۰۱	۶۸۸۹.

منبع: یافته‌های پژوهش

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمونه تصادفی ۳/۹۶۹ واحد t از میانگین جامعه فرضی فاصله دارد. با درجات آزادی ۲۹ و با سطح اطمینان ۰/۰۱، t جدول مساوی ۲,۴۵ است. فقط ۱ درصد احتمال دارد که اختلاف بین میانگین نمونه و جامعه ناشی از شانس باشد؛ بنابراین چون t محاسبه شده (۳/۹۶۹) بزرگتر از t جدول (۲,۴۵) است.

به عبارتی یعنی بحران‌های مذهبی در عراق منجر به متزلزل شدن قدرت سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای شده است؛ سومین فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

اولین و اساسی‌ترین مبانی شکل دهنده به کنش‌ها و رفتارهای سیاسی - امنیتی هر کشوری، مبانی داخلی می‌باشد. به گونه‌ای که شکل و ماهیت آن مبانی (مانند مبانی مذهبی، اجتماعی و اقتصادی) شکل و ماهیت رفتارهای سیاسی - امنیتی را تعریف و تعیین می‌کند و حتی میزان اثرگذاری مؤلفه‌های بیرونی را نیز مشخص می‌کند. کنش‌های امنیتی و سیاسی مهم‌ترین نمود و برون داد هر دولتی هستند که برحسب سازنده و مثبت بودن از یک سو و مخرب و منفی بودن از سوی دیگر تعریف می‌شوند.

امروزه با توجه به کم‌رنگ شدن تهدیدات خارجی، نقش عوامل و فاکتورهای داخلی در مقوله‌ی سیاست و به ویژه امنیت، مخصوصاً در کشورهای جهان سوم پررنگ‌تر شده است. در عراق نیز مهم‌ترین و اساسی‌ترین فاکتور شکل دهنده به حیات سیاسی و امنیتی در ابتدا فاکتورهای داخلی می‌باشد. به عبارت دیگر، اگرچه در حمله به عراق و ساقط کردن حکومت صدام به مؤلفه‌های داخلی عراق چندان توجه نمی‌شد و تنها بر مبنای در نظر گرفتن شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای حمله به عراق صورت گرفت، اما از فردای ساقط کردن حکومت صدام آنچه که بیش‌تر از همه در روند تحولات عراق نقش داشته و از تأثیرگذاری برخوردار بوده (چه به شکل مخرب و چه به شکل سازنده) عوامل داخلی می‌باشد. کشور عراق از فردای سقوط صدام همواره شاهد وجود بحران و ناامنی بوده است، به گونه‌ای که بسیاری از تحلیل‌گران عراق را مصداق از یک دولت ورشکسته می‌دانند.

بمب‌گذاری، ناامنی، جدل و خصومت جریانهای مذهبی و سیاسی، تهدید به تجزیه، وجود گروه‌های مسلح مختلف، تأخیرها طولانی در شکل‌گیری دولت، سیاسی شدن امور غیرسیاسی، مخالفت علنی و پنهانی با دولت، نافرمانی مدنی و غیرمدنی از مهم‌ترین شاخصه‌های عینی حیات سیاسی، امنیتی و مذهبی عراق است که مهم‌ترین نمود فعلی و عینی آن اشغال بخش زیادی از سرزمین عراق توسط گروه سلفی - تکفیری با نام دولت اسلامی عراق و شام، معروف به داعش از یک سو و آمادگی اقلیم کردستان عراق برای برگزاری همه‌پرسی استقلال از سوی دیگر است.

تحولات عمیق ژئوپلیتیکی در عراق تأثیرات گسترده‌ای بر این کشور، منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل برجای گذاشته است. ظهور عراق جدید علاوه بر تأثیر بر ساختارهای نظامی - امنیتی در نظام بین‌الملل، ماهیت روابط بین قدرت‌های بزرگ را متحول ساخته است. بدون تردید ظهور عراق جدید که در آن شیعیان سهم عمده‌ای در قدرت دارند، پیامدهای گسترده‌ای برای ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه به همراه خواهد داشت. تحولات عراق در سطح کشورهای منطقه بطور یکسان مورد ارزیابی قرار نگرفته و برداشت‌های گوناگون و بعضاً متضادی از ظهور عراق جدید ارایه شده است. در میان کشورهای همسایه عراق، ایران و ترکیه در مقابل این تحولات مواضع مثبتی اتخاذ نموده‌اند اما از نظر کشورهای عرب همسایه تغییرات در عراق به منزله تهدیدی برای هویت عربی این کشور و حاوی پیامدهای سوء و بی‌ثبات‌کننده برای منطقه تلقی گردیده است.

فرضیه ۴: بحران‌های مذهبی از بعد ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری ناامنی گسترده در سطح ملی و فراملی شده است.

بحران‌های مذهبی از بعد ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری نا امنی گسترده در سطح ملی و فراملی نشده است  $H_0: \mu \leq 3$ .  
 بحران‌های مذهبی از بعد ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری نا امنی گسترده در سطح ملی و فراملی نشده است  $H_1: \mu > 3$   
 جدول ۱۱- آمار توصیفی نگرش در مورد بحران‌های مذهبی از بعد ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری نا امنی گسترده در سطح ملی و فراملی

فراوانی میانگین انحراف استاندارد خطای استاندارد میانگین			
۳۰	۳,۶	۹۸۸۰۵	۱۸۰۳۹

منبع: یافته‌های پژوهش

بر مبنای نظرات افراد نمونه آماری، میانگین به دست آمده (۳,۶) نشان می‌دهد که در سطح ۰/۰۱ از میانگین فرضی نمرات (۳) بیشتر است.

جدول ۱۲- آزمون t تک متغیری نگرش در مورد بحران‌های مذهبی از بعد ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری نا امنی گسترده در سطح ملی و فراملی

Test Value = 3			
t	درجه آزادی	سطح اطمینان تفاوت میانگین‌ها	۰,۰۱
۲۹۳,۳۲۶	۶	۰,۰۱	۶

منبع: یافته‌های پژوهش

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمونه تصادفی ۳/۳۲۶ واحد t از میانگین جامعه فرضی فاصله دارد. با درجات آزادی ۲۹ و با سطح اطمینان ۰/۰۱، t جدول مساوی ۲,۴۵ است. فقط ۱ درصد احتمال دارد که اختلاف بین میانگین نمونه و جامعه ناشی از شانس باشد؛ بنابراین چون t محاسبه شده (۳/۳۲۶) بزرگتر از t جدول (۲,۴۵) است. بحران‌های مذهبی از بعد ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری نا امنی گسترده در سطح ملی و فراملی شده است. چهارمین فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

در تعریف سازمان ملل از امنیت ملی اینگونه آمده است: «اینکه کشورها هیچ گونه احساس خطر حمله ی نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتواند آزادانه گسترش و توسعه ی خود را تعقیب بکنند.» در تعریفی دیگر، کالج دفاع ملی کانادا، امنیت ملی را اینگونه تعریف می‌کند: «امنیت ملی یعنی حفظ راه و روش زندگی قابل پذیرش برای همه ی مردم و مطابق با نیازها و آرزوهای مشروع شهروندان، این امر شامل رهایی از حمله یا فشار نظامی، براندازی داخلی و نابودی ارزشهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که برای کیفیت زندگی ضروری هستند، میباشد.» این تعاریف قائل به وجود پنج بعد برای امنیت ملی می‌باشد که عبارتند از بعد نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست.

امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت است که ممکن است توسط تهدیدات گوناگون مانند تحت فشار گذاشتن حکومت در زمینه ی سیاسی خاصی تا براندازی حکومت، دامن زدن به جدایی طلبی و از هم گسیخته کردن کالبد سیاسی دولت به قصد تضعیف آن پیش از حمله ی نظامی مورد چالش قرار گیرد. آماج معمول تهدیدات سیاسی اندیشه ی دولت به ویژه هویت ملی و ایدئولوژی سازمان بخش آن و نهادهای است که تجلی آن می‌باشد. امنیت نظامی به نبود تهدیدات نظامی عینی (عبور نیروهای نظامی دشمن از مرز(و ذهنی (وجود تصور مورد حمله قرار گرفتن توسط دشمن(اشاره دارد. امنیت اجتماعی به نبود تهدید برای آنچه که تعریف کننده ی «ما» است، اشاره دارد. امنیت اقتصادی هم به نبود اختلال توسط دشمنان در تعاملات اقتصادی نظر دارد. بر مبنای تعاریف یادشده از امنیت ملی باید گفت که عراق از زمان سقوط صدام تاکنون از مشکل امنیت ملی رنج میبرد.

فرضیه ۵: بحران‌های ژئوپلیتیکی از بعد مذهبی هویت ملی در عراق را دچار تزلزل نموده است.

بحران‌های ژئوپلیتیکی از بعد مذهبی هویت ملی در عراق را متزلزل نموده است  $H_0: \mu \leq 3$

بحران‌های ژئوپلیتیکی از بعد مذهبی هویت ملی در عراق را دچار تزلزل نموده است  $H_1: \mu > 3$

جدول شماره ۱۳- آمار توصیفی نگرش در مورد بحران‌های ژئوپلیتیکی از بعد مذهبی هویت ملی در عراق

فراوانی میانگین انحراف استاندارد خطای استاندارد میانگین			
۱۹۲۸۵	۱۰۰۶۲۷	۳۸	۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بر مبنای نظرات افراد نمونه آماری، میانگین به دست آمده (۳/۸) نشان می‌دهد که در سطح ۰/۰۵ از میانگین فرضی نمرات (۳) بیشتر است.

جدول شماره ۱۴- آزمون t تک متغیری نگرش در مورد بحران‌های ژئوپلیتیکی از بعد مذهبی هویت ملی در عراق

Test Value = 3			
t	درجه آزادی	سطح اطمینان	تفاوت میانگین ها
۲۹۴,۱۴۸	۰,۰۱	۱,۸	

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمونه تصادفی ۴/۱۴۸ واحد t از میانگین جامعه فرضی فاصله دارد. با درجات آزادی ۲۹ و با سطح اطمینان ۰/۰۱، t جدول مساوی ۲,۴۵ است. فقط ۱ درصد احتمال دارد که اختلاف بین میانگین نمونه و جامعه ناشی از شانس باشد؛ بنابراین چون t محاسبه شده (۴/۱۴۸) بزرگتر از t جدول (۲,۴۵) است. به عبارتی یعنی بحران‌های ژئوپلیتیکی از بعد مذهبی هویت ملی در عراق را دچار تزلزل نموده است. پنجمین فرضیه پژوهش تایید می‌شود.

عراق به لحاظ قومی و مذهبی چنان ناهمگون است که نمیتوان پاسخ روشنی به این پرسش داد که مردم عراق واقعا کیستند. به هنگام استقلال عراق، جمعیت این کشور از ۲۱ درصد عرب زبان‌های سنی، ۱۴ درصد کرد زبان‌های اکثر سنی، ۵۳ درصد عرب زبان‌های شیعه، ۵ درصد عرب زبان‌های غیرمسلمان عمدتاً مرکب از یهودیان بغداد و سایر گروه‌های زبانی و مذهبی نظیر ترکمن‌های سنی مذهب در شمال عراق و مسیحیان آشوری تشکیل می‌شد. فقدان هویت ملی واحد و منسجم سبب شده است که دولت مرکزی همواره با چالش‌گری حداقل بخشی از جامعه مواجه شود و بنابراین، هیچ‌گاه دولت ملی به معنای متعارف آن در سرتاسر قرن بیستم تاکنون در عراق شکل نگیرد. هویت ملی واحد که بر مبنای اشتراکات تاریخی مختلف شکل می‌گیرد، مهم‌ترین و بهترین زمین برای رشد و تکامل بذر دولت ملی است که عراق همواره فاقد آن بوده است. در عراق به دلیل نبود یک هویت مذهبی واحد، ملت نمیتواند مبنای اساس شکل‌گیری دولت در عراق باشد. به عبارت دیگر، در عراق ملت نمی‌تواند به وجود آورنده دولت باشد، زیرا عراق فاقد یک ملت واحد و هویت مذهبی منسجم است. رجوع به تاریخ عراق نشان می‌دهد که حاکمان عرب به ویژه در دوران حزب بعث، به دنبال این بودند که از طریق ایجاد یک دولت قوی، ملتی واحد و منسجم به وجود آورند. آن‌ها با در پیش گرفتن سیاست عربی کردن، به دنبال حذف سایر قومیت‌ها از جمله کردها و مذاهب اهل تشیع بودند. ملی‌گرایان عرب عراقی به دنبال این بودند که در ایجاد ملتی واحد، دولت نقش محوری داشته باشد. این سیاست نتوانست ملتی منسجم ایجاد کند و به دلیل نبود هویت مذهبی و ملی، دولتمردان عراق همواره با خطر تجزیه طلبی و جنگ داخلی مواجه بودند و اگر دولتی هم در این دوران وجود داشت، بدون شک یک دولت ملی مشروع و مقبول همگان نبود، بلکه صرفاً اقتداری منفی در

جهت ایجاد نظم بود. در عراق هویت‌های قومی و مذهبی متعددی وجود دارد که مشابه آن در کشورهای همسایه عراق نیز یافت می‌شود. تمایل این هویت‌های قومی و مذهبی به همدیگر، چالشی جدی برای هویت مذهبی ملی و به تبع آن دولت ملی در عراق بوده است.

از آنجایی که هویت تعریف‌کننده منافع است، وجود هویت‌های متضاد در عراق سبب شده است تا هنگام شکل‌گیری دولت و در دوران پس از شکل‌گیری دولت، وجود منافع متضاد دولت را با چالش‌های جدیدی مواجه کند و در مواقعی مانع تشکیل دولت و در مواقع دیگر دولت را تا پای فروپاشی پیش ببرد. واقعیت آنست که جریان‌های عمده‌ی عراق به ویژه کردها و اهل سنت، دولت مرکزی رانه یک عامل امنیت‌زا، بلکه عاملی امنیت‌زدا میدانند که دلیل اصلی این امر به گذشته بر میگردد. تجربه‌ی تعاملات خصمانه در گذشته، سبب شده که گروه‌های هویتی در عراق از همدیگر احساس تهدید کنند. فعالیت گذشته‌ی کردهای عراق برای کسب استقلال یا خودمختاری سبب شده است تا جریان‌های سنی و شیعی با تردید به سیاست‌های اقلیم بنگرند. نگرانی از همدیگر، اصلی‌ترین دلیلی است که سبب شده است سه جریان اصلی عراق به دنبال این باشند که نیروهای نظامی و شبه نظامی خود را داشته باشند. احساس نگرانی گروه‌های مذهبی عراق از یکدیگر مانع همگرایی و کار جمعی آنها در بافت دولت عراق شده است. نبود هویت و مذهب مشترک سبب شده است که برداشت مشترکی از دولت به عنوان یک کلیت محل انجام کنش‌های جمعی وجود نداشته باشد و بنابراین، یک مشارکت جمعی در قالب دولت اتفاق نیافتد. مجموع این عوامل سبب شده است تا دولت همواره با خطر کناره‌گیری و عدم مشارکت جریان‌های سیاسی عمده‌ی عراق مواجه باشد؛ بنابراین، ثبات سازمانی دولت همواره در معرض خطر، تهدید و چالش باشد. دولت در عراق همواره با خطر فلج شدن دستگاه حکومت، چندپارگی بوروکراسی مواجه بوده است.

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهی

فرضیه ۱: ژئوپلیتیک بحران‌های مذهبی در قدرت‌یابی گروه‌های سیاسی، مذهبی در عراق موثر است. عراق از لحاظ تنوع جمعیتی و گسست‌های فعال و متراکم قومی-فرقه‌ای، اجتماعی-سیاسی و مذهبی-ایدئولوژیک، شرایطی کم‌نظیر در خاورمیانه و در بین کشورهای خاورمیانه دارد. کثرت و تنوع احزاب و گرایش‌های متعدد در عراق به جای ایجاد انسجام و ثبات در ساختارهای سیاسی رسمی و غیررسمی عراق، موجب ایجاد تنش و چالش در این کشور شده است. گوناگونی مذهبی به ویژه رقابت شیعه و سنی، بافت قدرت و تحولات اجتماعی عراق را برجسته کرده است؛ و عمده‌ترین منازعات قومی-مذهبی در عراق دو شکل اصلی دارد؛ یکی، منازعه قومی و کردی-عربی و در قالب اختلافات بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان جلوه‌گر بوده است؛ همچنین منازعه مذهبی شیعی-سنی که در برگزیده اختلافات عمده گروه‌های شیعی و سنی، از جمله در مورد نحوه تقسیم قدرت در نظام سیاسی جدید و ساختار و عناصر نیروهای نظامی و امنیتی و میزان حضور عناصر بعثی رژیم سابق در ساختارهای سیاسی و نظامی و امنیتی بوده است. علاوه بر این، اقدامات تروریستی گروه‌های افراط‌گرای سنی، مانند القاعده، در مقابل شیعیان عراق نیز در قالب منازعه مذهبی شیعی-سنی در خور بررسی است. با تسلط نخبگان سنی، الگوی قوم‌گرایی عربی آنها برای دولت-ملت‌سازی در عراق برای چندین دهه به پارادایم غالب تبدیل شد.

در دوره جدید به دلیل ضعف نسبی دولت مرکزی در عراق و ناتوانی آن در اعمال کامل حاکمیت و فعال شدن نیروهای گریز از مرکز و گروه‌های مخالف دولت، تأثیرگذاری و نقش بازیگران منطقه‌ای ذی‌نفع در روند سیاسی-امنیتی عراق بسیار افزایش یافته و این امر به واسطه منافع و اهداف متعارض این بازیگران در عراق، پیشبرد روند سیاسی و مصالحه گروه‌های سیاسی و همچنین امنیت‌سازی در این کشور را با چالش مواجه ساخته است. چالش‌های سیاسی-اجتماعی و مذهبی جدید در عراق را باید متأثر از سیستم سیاسی کنونی و پراکندگی و دسته‌بندی اجتماعی، فرقه‌ای، قومی و مذهبی در این کشور دانست. چالش‌های ناشی از رقابت گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در داخل عراق و آثار زیانبار ناشی از بی‌ثباتی و جنگ داخلی، افراط‌گرایی، تفرقه‌های قومی و مذهبی و نهایتاً فعالیت‌ها و زمزمه‌های گروه‌ها و طوایف مختلف جهت استقلال‌طلبی و تجزیه این کشور، از جمله چالش‌های جدید می‌باشند. با توجه به موارد فوق و تحلیلی آماری آمده در فصل چهارم این فرضیه تایید شد.

فرضیه ۲: خلاء قدرت ایالات متحده آمریکا در عراق منجر به بحران‌های ژئوپلیتیکی توسط قدرت‌های منطقه‌ای در آن کشور شده است.

پس از تهاجم نظامی آمریکا در مارس سال ۲۰۰۳ به عراق و اشغال آن، این کشور شاهد تغییر و تحولات گسترده و عمیقی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی گردیده است. پس از اشغال عراق عوامل ژئوپلیتیکی در این کشور به گونه جدیدی مبادرت به ایفای نقش نموده‌اند، به نحوی که توانسته‌اند منطقه خاورمیانه و همسایگان عراق را از نقش جدید خود متأثر سازند.

خروج نیروهای آمریکایی از عراق همچون میخی بود که بر تابوت دولت ملت مدرن و فراگیر در عراق کوبیده شد. پیامد اشغال خاک عراق از سوی نیروهای آمریکا و هم پیمانانش، پیدایش وضع آنارشیک در عراق بود. هنگامی که یک دولت توانمند و فراگیر وجود ندارد و آنارشی به معنای دقیق واژه پدید می‌آید، هویت‌های گوناگون به رقابت بیشتر رو می‌کنند. اهمیت این رقابت هویتی تا جایی است که افزایش قدرت دولت مرکزی، به چشم دیگر هویت‌ها، خطر شمرده می‌شود. در چنین وضعی، اگر دولت مرکزی به افزایش قدرت نظامی بوروکراتیک خود بپردازد، دیگر هویت‌ها آنرا به معنای افزایش امنیت یک هویت (شیعیان) و کاهش امنیت خود (اهل سنت و کردها) می‌گیرند. چنین مسائلی مایه پدید آمدن معضل امنیت و بحران سیاسی در عراق شده است. رویدادهای اخیر در عراق از جمله چنگ اندازی داعش بر بخش‌های بزرگی از این کشور، دم زدن کردها از استقلال، اختلاف نظر سنگین میان گروه‌های گوناگون سیاسی و مذهبی، نبود اجماع بین المللی و منطقه‌ای درباره سرنوشت عراق و... راه‌های برونرفت از معضل امنیتی پیش آمده را به بن بست کشانده است. با توجه به موارد فوق و تحلیلی آماری آمده در فصل چهارم این فرضیه تایید شد.

فرضیه ۳: بحران‌های مذهبی در عراق منجر به متزلزل شدن قدرت سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای شده است. امروزه با توجه به کم‌رنگ شدن تهدیدات خارجی، نقش عوامل و فاکتورهای داخلی در مقوله‌ی سیاست و به ویژه امنیت، مخصوصاً در کشورهای جهان سوم پر رنگ تر شده است. در عراق نیز مهم‌ترین و اساسی‌ترین فاکتور شکل دهنده به حیات سیاسی و امنیتی در ابتدا فاکتورهای داخلی می‌باشد. به عبارت دیگر، اگرچه در حمله به عراق و ساقط کردن حکومت صدام به مؤلفه‌های داخلی عراق چندان توجه نمی‌شد و تنها بر مبنای در نظر گرفتن شرایط بین المللی و منطقه‌ای حمله به عراق صورت گرفت، اما از فردای ساقط کردن حکومت صدام

آنچه که بیش تر از همه در روند تحولات عراق نقش داشته و از تأثیرگذاری برخوردار بوده (چه به شکل مخرب و چه به شکل سازنده) عوامل داخلی می‌باشد. کشور عراق از فردای سقوط صدام همواره شاهد وجود بحران و ناامنی بوده است، به گونه ای که بسیاری از تحلیل گران عراق را مصداقی از یک دولت ورشکسته می‌دانند. بمب گذاری، ناامنی، جدل و خصومت جریانهای مذهبی و سیاسی، تهدید به تجزیه، وجود گروه‌های مسلح مختلف، تأخیرها طولانی در شکل گیری دولت، سیاسی شدن امور غیرسیاسی، مخالفت علنی و پنهانی با دولت، نافرمانی مدنی و غیرمدنی از مهم ترین شاخصه‌های عینی حیات سیاسی، امنیتی و مذهبی عراق است که مهم ترین نمود فعلی و عینی آن اشغال بخش زیادی از سرزمین عراق توسط گروه سلفی - تکفیری با نام دولت اسلامی عراق و شام، معروف به داعش از یک سو و آمادگی اقلیم کردستان عراق برای برگزاری همه پرسی استقلال از سوی دیگر است. تحولات عمیق ژئوپلیتیکی در عراق تأثیرات گسترده‌ای بر این کشور، منطقه خاورمیانه و نظام بین الملل برجای گذارده است. ظهور عراق جدید علاوه بر تأثیر بر ساختارهای نظامی - امنیتی در نظام بین الملل، ماهیت روابط بین قدرت‌های بزرگ را متحول ساخته است. بدون تردید ظهور عراق جدید که در آن شیعیان سهم عمده‌ای در قدرت دارند، پیامدهای گسترده‌ای برای ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه به همراه خواهد داشت. با توجه به موارد فوق و تحلیلی آماری آمده در فصل چهارم این فرضیه تایید شد.

فرضیه ۴: بحران‌های مذهبی از بعد ژئوپلیتیکی منجر به شکل‌گیری نا امنی گسترده در سطح ملی و فراملی شده است. مهمترین خطر امنیت ملی برای شرایط فعلی عراق، خطر از دست رفتن تمامیت ارضی است. شبه نظامیان «دولت اسلامی عراق و شام» موسوم به داعش به رهبری ابوبکر البغدادی در اواخر ژوئن ۲۰۱۴، موفق به تصرف شهرهای مهم عراق مانند موصل و تکریت در کم تر از دو هفته شدند؛ و این حاکی از وجود تهدید عینی و ضمنی برای سرزمین عراق است. علاوه بر خطر داعش، تمامیت ارضی عراق با خطر مداوم استقلال از طرف اقلیم کردستان مواجه است. دوم این که ثبات سازمانی دولت در عراق تحت تأثیر عواملی مانند تحریم مشارکت در دولت توسط جریانهای سیاسی منتقد و ناراضی، تأخیر در تشکیل دولت، شورش های مسلحانه ی داخلی، مداخلات خارجی و غیره همواره در معرض تهدید است. در مقاطع زیادی، دولت مرکزی عراق برای همه ی گروه‌های سیاسی مانند کردها و اهل سنت به ویژه از سال ۲۰۱۰ به بعد دارای مشروعیت نبوده است. سوم این که جامعه ی عراق فاقد امنیت روانی است. عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون حتی یک روز بدون خشونت را تجربه نکرده است. در این رابطه، میزان تلفات انسانی در عراق، در اثر حملات مسلحانه و بمب گذاری، گویای واقعیت می باشد. از سال ۲۰۰۳ تا پایان سال ۲۰۱۳، تعداد کشته‌ها و زخمی های جنگ عراق ۱۸۴۵۱۲ نفر بوده است که از این میزان ۱۷۹۲۴۰ نفر عراقی (نظامی و غیرنظامی)، ۴۸۰۴ نفر از نیروهای نظامی بین المللی و ۴۶۸ نفر پیمانکاران بین المللی بوده‌اند. ایالات متحده در همکاری با نیروهای عراقی تا زمان خروج نیروهای نظامی آمریکا در دسامبر ۲۰۱۱، مسئول تأمین امنیت عراق بود که چندان در این مسیر موفق نبود. نیروهای عراق در سال ۲۰۱۲ که خود مسئول امنیت عراق شدند، ۴۴۷۱ نفر غیرنظامی در اثر حملات تروریستی کشته شدند. نبود احساس امنیت بزرگ ترین مشکل مردم عراق است. البته باید اشاره کرد که وضعیت اقلیم کردستان به لحاظ امنیت به مراتب بهتر است. چهارم این که جریانهای سیاسی هیچ گاه به لحاظ هویتی احساس امنیت نکرده‌اند و همواره نگران امنیت هویت

خود بوده‌اند. امروزه وجود دولت اسلامی عراق و شام در همسایگی بغداد، یک تهدید جدی برای ارزش‌ها، باورها و مراکز مقدس شیعی است که تشکیل دهنده‌ی هویت آن‌ها به شمار می‌رود. از طرفی کردها که در گذشته سیاست‌های عربی کردن و کوچاندن را تجربه کردند، هنوز این نگرانی را چه از ناحیه‌ی دولت مرکزی و چه از ناحیه‌ی گروه‌های تندرو سنی دارند. جریان اهل سنت نیز به واسطه‌ی در اقلیت بودن نگران در حاشیه قرارگرفتن خود و بنابراین، کمرنگ شدن هویتش در بافت عراق است. پنجم این که به لحاظ اقتصادی نیز عراق فاقد امنیت است. نه تنها بحران‌های سیاسی و امنیتی موجود اقتصاد عراق را با اختلال مواجه کرده است، بلکه از بین رفتن زیربنای اقتصادی در اثر جنگ‌های داخلی و خارجی نیز اقتصاد این کشور را بسیار ضعیف کرده و از تمایل سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در عراق کاسته است. در پایان باید گفت دولت به عنوان مرجع اصلی تأمین امنیت ملی، زمانی خواهد توانست به انجام کارویژه‌های خود پردازد که قدرتمند باشد. عدم پذیرش دولت توسط همه‌ی جریانهای سیاسی، مانع این است که دولتی قدرتمند و مشروع شکل بگیرد. نبود دولت ملی قدرتمند سبب می‌شود بستر مناسب برای بازیگران خارجی، به ویژه همسایگان عراق فراهم شود که نتیجه‌ی بارز این امر پیچیده‌تر شدن بحران‌های موجود در عراق و تشدید آن‌ها می‌باشد. با توجه به موارد فوق و تحلیلی آماری آمده در فصل چهارم این فرضیه تأیید شد.

فرضیه ۵: بحران‌های ژئوپلیتیکی از بعد مذهبی هویت ملی در عراق را دچار تزلزل نموده است.

عراق به لحاظ قومی و مذهبی چنان ناهمگون است که نمی‌توان پاسخ روشنی به این پرسش داد که مردم عراق واقعا کیستند. از آنجایی که هویت تعریف‌کننده منافع است، وجود هویت‌های متضاد در عراق سبب شده است تا هنگام شکل‌گیری دولت و در دوران پس از شکل‌گیری دولت، وجود منافع متضاد دولت را با چالش‌های جدیدی مواجه کند و در مواقعی مانع تشکیل دولت و در مواقع دیگر دولت را تا پای فروپاشی پیش ببرد. واقعیت آنست که جریانهای عمده‌ی عراق به ویژه کردها و اهل سنت، دولت مرکزی رانه یک عامل امنیت‌زا، بلکه عاملی امنیت‌زدا میدانند که دلیل اصلی این امر به گذشته بر میگردد. تجربه‌ی تعاملات خصمانه در گذشته، سبب شده که گروه‌های هویتی در عراق از همدیگر احساس تهدید کنند. فعالیت گذشته‌ی کردهای عراق برای کسب استقلال یا خودمختاری سبب شده است تا جریانهای سنی و شیعی با تردید به سیاست‌های اقلیم بنگرند. نگرانی از همدیگر، اصلی‌ترین دلیلی است که سبب شده است سه جریان اصلی عراق به دنبال این باشند که نیروهای نظامی و شبه‌نظامی خود را داشته باشند. احساس نگرانی گروه‌های مذهبی عراق از یکدیگر مانع همگرایی و کار جمعی آن‌ها در بافت دولت عراق شده است. نبود هویت و مذهب مشترک سبب شده است که برداشت مشترکی از دولت به عنوان یک کلیت محل انجام کنش‌های جمعی وجود نداشته باشد و بنابراین، یک مشارکت جمعی در قالب دولت اتفاق نیافتد. مجموع این عوامل سبب شده است تا دولت همواره با خطر کناره‌گیری و عدم مشارکت جریانهای سیاسی عمده‌ی عراق مواجه باشد؛ بنابراین، ثبات سازمانی دولت همواره در معرض خطر، تهدید و چالش باشد. دولت در عراق همواره با خطر فلج شدن دستگاه حکومت، چندپارگی بوروکراسی مواجه بوده است. با توجه به موارد فوق و تحلیلی آماری آمده در فصل چهارم این فرضیه تأیید شد.



## منابع

- اکبری، حسین (۱۳۹۲)، بحران حاکمیت در عراق، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران.
- الخلیل، سمیر (۱۳۷۰)، جمهوری وحشت، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر طرح نو.
- الزبیدی، حسن لطیف (۱۳۹۰)، دایره المعارف احزاب در عراق، مترجم سید عدنان محقق، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ان. ویلی، جویس (۱۳۶۳)، نهضت اسلامی شیعیان عراق، تهران، موسسه اطلاعات.
- اولیور، ری (۱۳۸۹)، تجربه اسلام سیاسی، ترجمه محسن مدیرشانه چی و حسین مطیعی امین، قم: اسلامی.
- ای فولر، گراهام، فرانکه، رند رحیم (۱۳۸۴)، شیعیان عرب: مسلمانان فراموش شده، ترجمه ی خدیجه تبریزی و علی اصغر محمدی، قم: انتشارات شیعه شناسی.
- آقا بخشی، علی (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات مدارک علمی ایران.
- آیتی، سیدباقر (۱۳۷۰)، اطلس علمی جغرافیایی ارشاد (سیاسی-طبیعی-اقتصادی)، انتشارات ارشاد.
- برادن، کتلین و فردشلی (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه: علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۵)، سیاست خارجی ایران در عراق جدید. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- برژینسکی، زبگینیو (۱۳۸۶)، پس از سقوط بازی نهایی در جهان تک قطبی، ترجمه: امیر حسین توکلی، انتشارات سبزان.
- برنابلداجی، سیروس (۱۳۸۳)، شیعیان عراق؛ بررسی جامعه-شناختی، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۷.
- برنارد، لوئیس (۱۳۹۴)، دین سیاست و حکومت در خاورمیانه. ترجمه: علی باقری دولت آبادی و جابر قاسمی انتشارات علامه بهبهانی قم.
- بلوئت، برایان (۱۳۸۷)، ژئواستراتژی جهانی (مکیندر و دفاع از غرب)، ترجمه: محبوبه بیات، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهد علی صیاد شیرازی.
- پایروندی، محمدرضا (۱۳۹۲)، بنیادگرایی و سنت گرایی، تهران: نشر افلاک.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۲)، عراق جدید و تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال نهم، شماره ۶.
- پیشگاهی فرد، زهرا و امیر قدسی (۱۳۹۰)، نقش آفرینی ضد ژئوپلیتیک در تندیشه‌های ژئوپلیتیک. فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۷.
- تیمور، احمد (۱۳۴۷)، هـ الیزیدیه و منشاء نحلتهم، المطبعة السلفية، قاهره.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، ژوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جک سی. پلینو، روی آلتون (۱۳۷۵)، فرهنگ روابط بین‌الملل. ترجمه و تحقیق حسن پستا. انتشارات فرهنگ معاصر.
- جهانی راد، حجت اله و حاجی زاده، احمد (۱۳۹۵)، تعارضهای مذهبی زمینه ساز بحران در منطقه ژئوپلیتیک غرب آسیا؛ مطالعه موردی: پدیده بنیادگرایی اسلامی. اولین همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیک جهان اسلام.
- خسروی، غلامرضا (۱۳۸۹)، مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید، فصلنامه مطالعات راهبردی. سال سیزدهم، شماره ۱.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷)، ه ق. التصنيف الموضوعی لتاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیه ج ۱.
- رضایی، حسن (۱۳۸۹)، عراق جدید، شیعیان و انتخابات دوم پارلمانی، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره سوم.
- رضایی، مهدی (۱۳۹۲)، حضور نظامی ایالات متحده در عراق پس از جنگ، کتاب آمریکا (۲)، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- سعدی، علی (۱۳۸۹)، کمر بند آتش، مترجم صغری روستایی و دیگران، تهران.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران: سمت.
- سنجابی، علیرضا (۱۳۹۰)، استراتژی و قدرت نظامی، انتشارات پازنگ، تهران.
- شیولسون، ریچارد (۱۳۹۲)، استدلال آماری در علوم رفتاری. ترجمه علیرضا کیامنش. انتشارات جهاد دانشگاهی: تهران.
- عرشیان، ابوذر (۱۳۹۰)، جنگ سلطه: تحلیلی بر جهت گیری آمریکا در اشغال عراق و تشکیل دولت وحدت ملی، قم: اعتدال.

عزتی، عزت‌اله (۱۳۷۱)، ژئوپلیتیک، انتشارات سمت.

قاسمی، علیرضا (۱۳۹۴)، یکجانبه‌گرایی و راهبردهای سیاست خارجی آمریکا. فصلنامه مطالعاتی تهران مرکز. دور جدید. شماره ۱.

میرحیدر، دره (۱۳۸۶)، مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.

نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی (۱۳۹۰)، جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک، تهران، نشر سازمان جغرافیای نیروهای مسلح. چاپ دهم.

نامی، محمدحسن و دیگران (۱۳۸۸)، نقش عوامل جغرافیای در انتخاب نهادها و پایتخت‌های حکومتی ایران، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.

نامی، محمدحسن و علیرضا عباسی (۱۳۸۸)، تحلیل جایگاه ژئوآکونومیک ایران در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم.

#### ب - منابع لاتین

Fishman, Bian (Autumn 2006), "After Zargawi: the Dilemmas and Future of Al Qaeda in Iraq", *The Washington Quarterly*, Vol.29, No.4.

Juergesmeyer, Mark (1993); *Antifundamentalism, Influidementalism Comprehend*, Deeds, Chicago University Press.

Ahamad, Hashim (2003). *Military Power and State Formation in Modern Iraq*, Middle East policy, Vol. 10, No.4.

Anderson, Liam, Stansfield, Gareth (Winter 2004) "the Futuer of Iraq: Dictatorship, Democracy, or Division? *The Washington Quarterly*, Vol. 27, No.1

Bobby, Sayyid, S. (1999); "Sign O'times Kaffirs and Infidels Fighting the Ninth Crusade", in Ernesto Laclau, *The Making of Political Identities*, London: Iverso.

Glanser, B. G. and A. L. Strauss, "The Discovery Of Grounded Theory". Chicago, 1993, Ill.: Aldine-Jaber, Fala (2003) *the Shite Movement in Iraq* London: London University. 8-Mouhleb, Naima (Winter 2006) "Memories of State: politics, History, and Collective Identity in Iraq", *Journal of Pease Research*, Vol.43, No.493

Wimmer, Andreas (Winter 2003-2004) "Democracy and Ethno-Religious Conflict in Iraq", *Survival*, Vol.45, No.4.

10- huntington, samuel (1996) 'the clash of civilization' simon and schuster 'new yoRk.

11-jones 'martin and others (2004) 'an introduction to political geography: spase 'place and politics ' Rudlication.